



«آینه‌ها تکه‌ای از صورت توست» اشعار شهیر کنعانی (مابین سال‌های ۱۳۹۰ - ۱۴۰۰) را در برمی‌گیرد که از سوی نشر حس هفتم، به انتشار رسیده است. شاعر در مقدمه می‌گوید: «این مجموعه که مشتمل بر شعرهایی است که در موسیقی عروضی، موسیقی غیرعروضی یا بدون موسیقی نوشته شده‌اند، سال گذشته برای چاپ و نشر به ناشر محترم سپرده شد و به دلیل طولانی بودن فرآیندهای بوروکراتیک، چاپ در پاییز ۱۴۰۱ محقق شد. این دفتر حاصل تلاش‌های بسیار و نگرش تازه بنده به جهان و ادبیات بوده که با محوریت فاصله‌گیری بیشتر از فرم‌های کلاسیک و گام برداشتن به سمت فرم‌سازی و سوررئالیسم زبانی بیشتر شکل گرفته است.» گاهی این «فرایندهای بوروکراتیک» آن‌قدر طول می‌کشد که شاعر از فضای متداول شعرهایش (چهارپاره‌ها، غزل‌ها، ترانه‌ها، شعر نیمایی و سپید) دور می‌شود و سبکل قدیم را می‌شکند و سبکل جدیدی را پیش می‌گیرد. شهیر کنعانی اکنون تا حدودی از آن حواس پرتهی شاعرانه مولانا‌یی و حافظانه و حال و هوای گوتیکی فاصله گرفته است. شعر شهیر کنعانی «شدن» را توصیف و تشریح می‌کرد/ می‌کنده، نه «بودن و شنیدن» را. حضور یک حال و هوای ناگهانی و (سخن ناگهانی) در شعر او تبدیل به «ناگهان سخن» شده است. فرم شعر شهیر، محتوای می‌آفرید/ می‌آفریند. شاعر دو محتوا را در دو چهارپاره با دو فرم خلق کرده است. او فرمی بیرونی و فرمی درونی را در هم می‌آمیزد/ می‌آمیزد: «در خواب‌های سنگی من داد می‌زند/ باز زیستن درون تنم حال می‌کنند/ زنجیریان در آینه با من برابند/ هر شب مرا کنار خودم چال می‌کنند.» شهیر کنعانی این شور عشق آفرین را با عشق‌بازی در زبان و در دنیای درون خود مهار می‌کند. معلوم بود که عاقبت، اشکال مختلف اشعار کنعانی در حجم می‌نشیند: «بالای نور/ به پاهای تو می‌افند/ که راه می‌روی و / و راه نمی‌آید/ بالای نور چیست/ جز ریختگی روشن رنگ؟...» شاعر حتی در تقطیع شعر، در هر بند، شکلی از ستاره ترسیم می‌کند و روی واژه «نور» تا آخر زوم می‌کند. در شکل و ستاره، اول با نور راه می‌رود، راه‌راه می‌رود. نور در شکل ستاره دوم روی رنگ‌ها و روی خاک می‌ریزد. نور در شکل ستاره سوم تنه می‌گیرد، معشوق می‌شود، نور مرگ را زمان کوچکی به تأخیر می‌اندازد. لبریکته‌ها و شطحیات شهیر در دفتر «آینه‌ها تکه‌ای از صورت توست» گاهی بی‌مهار می‌آمد، ولی در شعر حجم‌گون «نور» انسجام می‌گیرد، فشرده می‌شود و به درون فرومی‌ریزد.

پژوهشی در باب میراث‌شعری گل‌رخ‌خسار در ایران انتشارات نگارستان اندیشه کتاب جدید ابراهیم خدایار، رئیس انجمن علمی نقد ادبی ایران را در نمایشگاه کتاب تهران عرضه خواهد کرد. ابراهیم خدایار، در معرفی این کتاب پژوهشی که با نام «زرافشان شعر؛ مفهوم‌شناسی وطن در دیوان گل‌رخ‌خسار صفی‌آوا» در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۲ عرضه خواهد شد، به‌این‌تا توضیح داد: «گل‌رخ‌خسار صفی‌آوا یکی از تأثیرگذارترین شاعران معاصر تاجیکستان در روند شکل‌گیری و گسترش ناسیونالیسم فرهنگی بود و دیوان این بانوی شاعر سردار از دعوت به یک‌رنگی هاست». خدایار که به مدت پنج سال راینز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان و تاجیکستان بوده با اشاره به اینکه اندیشه تألیف این اثر اولین بار در سال‌های ماموریت خود در این دو کشور در وی شکل گرفته، افزود: بخش‌هایی از این کتاب از سال ۱۳۹۷ در نشریات، روزنامه‌ها، مجلات پژوهشی و وبگاه‌های ایرانی منتشر شده است. از اوایل قرن بیستم به دنبال تأسیس جمهوری‌های مستقل در آسیای مرکزی با شکل‌گیری هویت‌های بومی و تغییر هویت فارسی به تاجیکی روند دوری مردم فارسی‌زبان منطقه به ویژه تاجیکان آریایی‌نژاد از میراث خود بیشتر نمایان شد. در عین حال در اواخر قرن بیستم با کسب استقلال کامل این جمهوری‌ها از اتحاد شوروی سابق میل بازگشت به میراث نیاکان و ورود رنگ و بوی ناسیونالیسم در اشعار تاجیک‌ها را شاهد شدیم. دانشیار زبان و ادب فارسی دانشگاه تربیت مدرس در معرفی فصل‌های کتاب «زرافشان شعر» عنوان کرد: این کتاب ۵ فصل دارد. در فصل نخست به مقدمه و کلیات موضوع اشاره شده است. در فصل دوم با نام «دختر زرافشان» به سیر زندگی و آثار گل‌رخسار اشاره و جایگاه وی در ادبیات معاصر تاجیک بررسی شده است. فصل سوم به نام «آب و آیین» درباره دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک و تحلیل وطن در میراث‌شعری گل‌رخسار توضیح می‌دهد. در فصل چهارم با عنوان «جام بلور» به‌۴۵ وطن سروده گل‌رخسار اشاره شده و در فصل پنجم بیان شده که اندیشه شاعر درباره وطن سیر تحولی و تکاملی سه گانه‌ای داشته که وطن جغرافیایی، وطن تاریخی و وطن فرهنگی یعنی وطن در قالب فرهنگ را شامل می‌شود.

در گفت‌وگو با سعیده کابلی مطرح شد:

بازار کتاب و معضلی به‌نام ترجمه‌های «گوگلی»



مهم‌ترین چالش

مترجمان اخذ مجوز

و نبود کپی‌رایت است

آرمان ملی – محمد صابری: سعیده سیدکابلی، فارغ‌التحصیل مترجمی زبان فرانسه، یکی از مترجمان ادبیات فرانسه‌است که تاکنون ترجمه‌های متعددی از ایشان منتشر شده؛ از جمله رمان «رز» نوشته فرانک بوپیس که از سوی نشر ترنجستان به بازار آمده است. او در توضیح دغدغه‌ها و چالش‌های مترجمی ادبی می‌گوید: «به‌عنوان یک مترجم اصلا دلم نمی‌خواهد چیزی از متن کم و یا حتی به آن اضافه شود، اما خیلی از کتاب‌هایی که سال‌ها برای ترجمه آن‌ها زحمت کشیده‌ام مجوز نگرفته و گوشه کتابخانه‌ام خاک می‌خورند...» کابلی همچنین معتقد است نبود قانون کپی‌رایت باعث ورود افراد غیر حرفه‌ای به حوزه ترجمه و نشر شده و این کار مترجمان حرفه‌ای را سخت می‌کند، آنچه در ادامه می‌آید، مشروح گفت‌وگویی است که با سیدکابلی داشته‌ایم.

❖ **به عنوان مقدمه کمی از فعالیت‌های خودتان برای خوانندگان روزنامه‌بگویید؟**

بیشتر از ۱۵ سال است که در این حوزه فعالیت دارم و طی این سال‌ها آثار زیادی را از زبان فرانسه به فارسی و بالعکس ترجمه کردم که بیشتر آنها در حوزه شعر بوده است. هم‌اکنون هم با فصلنامه اشعارن در بلژیک فعالیت دارم و سعی کردم تا جایی که در توانم باشد شعر غنی ایران را به جامعه فرانسه‌زبان درآروم یا معرفی کنم.

❖ **چه ویژگی‌هایی در ادبیات فرانسه دیدید که شما را به سمت و سوی ترجمه تشویق کرد؟**

فکر می‌کنم کمتر کسی باشد که به ادبیات فرانسه علاقه‌مند نباشد. آثار فاخری چون «شارده کوچولو»، «پینوکیان»، «بیگانه»، شاهکارهایی هستند که از ادبیات فرانسه متولد شدند. این ادبیات فقط محدود به خود کشور فرانسه نمی‌شود و دامنه گسترده‌ای را چون کشورهای بلژیک، سوئیس، کانادا، مراکش، الجزایر، سنگال و کشورهای زیادی که تحت استعمار فرانسه‌قرار داشتند دربرمی‌گیرد. نویسندگان فرانسوی زبان بیشتر از هر ملیت دیگری جایزه ادبی نوبل را کسب کرده‌اند، تا آنجا که حتی اولین نوبل ادبی متعلق به فرانسه است و این خود نشان از نبوغ نویسندگان این کشور دارد. نسل طلایی که در آن نویسندگانی چون ژول ژولت، آگلفو، پاسیمینز، ژان ژنه، سلین، ناتالی ساروت، ژرژ ساند مشاهده می‌شوند. حتی اگر به لیست ده‌گانه آثار بزرگ ادبی به انتخاب منتقدان نیز نگاه کنیم بسیاری از آثار فرانسوی‌زبان مشاهده می‌شود. یکی از آثار همیشه محبوب منتقدان، «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» مارسل پروست است که با ۷ جلد، رکورددار طولانی‌ترین رمان گینس نیز هست. فکر می‌کنم همه اینها به علاوه موارد متعدد دیگری که هر کدام نیاز به چندین جلسه بحث و گفت‌وگو دارد، دلایل محکمی برای علاقه‌مندی به این ادبیات باشد.

❖ **کمی از رمان «رز» و دشواری‌های ترجمه این رمان بگویید؟**

شاید بتوانم بگویم بزرگ‌ترین چالش من در طول سال‌های که به ترجمه مشغول بودم، برگردان رمان «رز» بود. بازی‌های زمانی متعددی که در این رمان وجود داشت و سبک بسیار متفاوت نویسنده این اثر «فرانک بوپیس»، از چالش‌های بسیار بزرگی بودند که در عین حال برای من جذابیت‌های فراوانی داشت. این رمان که در ژانویه ۲۰۱۹ توسط انتشارات لامنوفکتور در پاریس معرفی شد و جوایز ادبی فراوانی نیز کسب کرد، در دنیایی که تحت سلطه خشونت و ظلم قرار دارد، بردگی طاقت‌فرسای دخترپچای به نام زرا را به تصویر می‌کشد، که توسط اربایی خشن و سنگدل، به بهایی ناچیز، از خانواده فقیرش خریداری می‌شود. اربایی که او را به هر شکلی مورد اذیت و آزارهای روحی و جسمی قرار می‌دهد. موضوعی که متأسفانه، توجه به زبان روایت داستان اگر چه نشان از ظلم و بردگی زنان در قرون وسطی در اروپا دارد، اما نمونه‌هایی از آن، امروزه نیز در کشورهای

رئیس سندی‌کای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا در نشست با خبرنگاران با اشاره به لزوم حمایت از تولید کاغذ تحریر گفت:

« ظرفیت تولید ۱۴۰ هزار تن کاغذ در کشور وجود دارد، اما برای رسیدن به خودکفایی باید سرمایه‌گذاری ۱۲ تا ۱۵ هزار میلیاردی داشته باشیم». ابوالفضل روغنی گلیاگانی با بیان اینکه تولید کاغذ به‌عنوان یکی از شاخه‌های توسعه‌فرهنگی در هر کشوری به شمار می‌آید، گفت: «اگر چه در ابتدا کشور چین تولیدکننده کاغذ بود، اما به مرور زمان کشورهای دیگری پا به عرصه گذاشتند؛ مثل آمریکا که در یک دوره زمانی سردمدار تولید کاغذ و ماشین‌الات این حوزه شد، پس از آن آلمان، فنلاند، سوئد و نروژ نیز به‌عنوان به این بخش وارد شدند. اکنون بار دیگر تولید کاغذ و ماشین‌الات این حوزه به چین برگشته است و در حوزه ماشین‌سازی و تولید کاغذ در وضعیت بسیار خوبی قرار

ترجمه‌هایی تن می‌دهند. اگر قانون کپی‌رایت و حساب و کتابی در کار باشد، و قرار بر پرداخت هزینه نباشد، به‌طور یقین چنین ترجمه‌ها و ناشرانی نیز جمع خواهند شد. نه تنها دغدغه من در این صنف، بلکه دغدغه همگی در بهبود کیفیت اوضاع، این است که کاسبانه رفتار کردن را حذف و بر کیفیت و غنای هر کاری تمرکز کنیم.

❖ **امروز در بازار نشر ادبیات ترجمه یکه‌تازی می‌کند و بعضاً آثار دست‌چندم آن بیشتر از ادبیات ممتاز وطنی مورد استقبال قرار می‌گیرد، چرا؟**

در واقع پاسخ به این سؤال شما کمی مشکل است. ما در تألیف یک اثر، با خلق اثری جدید مواجه هستیم، که طبیعتاً کار ساده‌ای نیست. البته این به این معنی نیست که ترجمه کار آسان و پیش پاافتاده‌ای است، بلکه با توجه به نبود نظارت بر بازار ترجمه، باعث شده تا این مقوله به شکل غیر حرفه‌ای به یکه‌تازی خودش نزد ناشران ادامه دهد. و گر نه، ترجمه به شکل اصولی، خود یک بازار آفرینی در زبان مقصد است. بگذارید در حوزه تخصصی خودم، یعنی ترجمه شعر، این موضوع را به شکل واضح‌تری توضیح دهم. شما هرگز نمی‌توانید با هیچ ابزار یا نرم‌افزار ترجمه، یک قطعه شعر را به شکلی که مترجم آن را بازنویسی و یا بازسرای می‌کند، ترجمه کنید. در نتیجه باید بگویم، وجود ترجمه‌های گوگلی (که البته من این اسم را رویش می‌گذارم)، باعث شده این آثار سهل‌تر و ارزان‌تر در بازار ارائه شوند و این گونه بر بازار تألیف نیز اثر منفی بگذارد.

❖ **در بازار نشر فرانسه نویسنده‌ای همچون گیوم موسو که خیلی هم از نویسنده‌های ممتازی به شمار نمی‌آید یک میلیون نسخه فروش دارد، شما دلیل این امر را چه می‌دانید؟**

دلیل اصلی این موضوع تغییر ذائقه و سلیقه جامعه کتابخوان است. گیوم موسو نویسنده‌ای است که خلاقیات بالایی دارد و وقتی آثار او را مطالعه می‌کنید انگار به تماشای یک فیلم نشست‌اید و این موضوع باعث شده طرفداران زیادی پیدا کند. قلم روانی دارد و خواننده را هنرمندانه به دنبال خود می‌کشاند و هر لحظه او را غافلگیر می‌کند. سال ۲۰۲۲ پر فروش‌ترین نویسنده فرانسوی شد و کاملاً هایش به بیش از ۴۵ زبان ترجمه شده‌اند. البته نویسندگان فرانسوی دیگری نیز در ده‌او وجود دارند که از میان آنها می‌توان به «ژول دکر» سوئیس‌ی با کتاب پرفروش با عنوان «ماجراهای آلاسکا سندرز» اشاره کرد.

❖ **در فروش و دیده شدن یک اثر ترجمه چه سهمی برای مترجم و چه سهمی برای ناشر قائل هستید؟**

اگر منظور تان از سهم، جنبه مادی کار باشد، باید بگویم دستمزدهایی که در بازار چاپ و نشر ایران برای مترجم در نظر گرفته می‌شود خنده‌دار و تا حد زیادی به دور از شأن مترجم است، اما اگر جنبه معنوی موضوع مورد نظر باشد، به زعم بنده مترجم و ناشر مکمل یکدیگر هستند و یک ناشر خوب می‌تواند با اعتماد به مترجم و با ابزارهای تبلیغی مؤثر به بهترین شکل ممکن مترجم خود را به بازار معرفی کند و یک مترجم حرفه‌ای نیز با ترجمه خوب، قادر است بر محبوبیت و شهرت بیشتر ناشر بیفزاید.

❖ **آیا بین مترجمان به نام ایرانی کدامیک را بیشتر در ترجمه آثار فرانسوی موفق‌تر می‌دانید و چرا؟**

این سؤال شما هم در واقع برای یک مترجم در دهه سؤالات سخت است که پاسخ دادن به آن کار دشواری است. در بازار کنونی هم

ضرورت سرمایه‌گذاری ۱۵ هزار میلیاردی در تولید کاغذ

بخش دیگر صحبت‌های خود به موضوع روند تولید کاغذ تحریر در کشور پرداخت و یادآور شد: «طی ۱۰ سال اخیر حدود ۲۸۰ کیلوگرم، در اروپا به ۵۸ کیلوگرم و به بخش‌هایی از آمریکا و اسکندیناوی به ۱۸۰ کیلوگرم می‌رسد که چند برابر آمار جهانی است. در ایران، حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تن مجوز تولید کاغذ داده شده است. در این میان طبق آمار ارائه شده کلی، فقط یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار تن کاغذ تولید می‌شود.» روغنی در

مترجمان خوب فراوانی هستند که همگی جز اساتید بنده به شمار می‌آیند و اینکه بخواهم یکی یکی آنها را ذکر کنم برایم کار ساده‌ای نیست، اما اگر بخواهم در زبان فرانسه به مترجم به‌نامی اشاره کنم باید بگویم بی‌شک مهدی سحابی با ترجمه «در جست‌وجوی زمان از دست رفته»، بی‌رقیب است. البته این نظر شخصی من است.

❖ **آخرین ترجمه شما نمایشنامه «بدرود» است لطفاً کمی درباره این اثر توضیح بدهید و بفرمایید چه ویژگی‌های در این اثر شما را مجاب به ترجمه آن کرد؟**

بگذارید از اینجا شروع کنم که اصلاً چطور به سمت ترجمه نمایشنامه رفتم. در واقع من در ترجمه دنبال کشف هستم. همواره به دنبال تجربه‌های جدید هستم و می‌خواهم حداقل در زمینه ادبیات کارهای متفاوتی را تجربه کنم. البته به ترجمه تخصصی در یک زمینه خاص به شدت معتمد، شروع ترجمه نمایشنامه برای من طی پیشنهاد کاری از سوی یک نمایشنامه‌نویس ایرانی به‌نام محمدرضا امیری، جهت چاپ در فرانسه صورت گرفت. یعنی بهتر است بگویم من کار ترجمه نمایشنامه را با ترجمه معکوس شروع کردم که خوشبختانه ترجمه موفق هم بود و این نمایشنامه توسط انتشارات پانتئون در فرانسه به چاپ رسید. بعد از این تجربه موفق، این علاقه‌مندی نیز صورت گرفت و اولین ترجمه من در حوزه نمایشنامه، آن هم از زبان فرانسه به فارسی، با ترجمه مونولوگ «بدرود»، اثر آنتوان ژکو، نمایشنامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس مطرح سوئیس صورت گرفت. «بدرود» در واقع حال و روز جامعه کنونی ایران است. نسلی که حالا برای ساختن آینده خود، به مهاجرت فکر می‌کنند و این بسیار دردناک است. آدم‌هایی در اطرافم زندگی می‌کنند که لحظه لحظه این تک‌گویی را زندگی کرده‌اند. خوشبختانه این نمایشنامه سال گذشته، به کارگردانی محمدرضا امیری به روی صحنه رفت و بازخوردهای خوبی هم داشت. نمایشنامه دیگری از این نویسنده سوئیس در دست ترجمه دارم که به زودی در اختیار مخاطبان و علاقه‌مندان این حوزه قرار خواهد گرفت.

❖ **کدامیک از آثار ادبیات ایرانی را به زبان فرانسه ترجمه کرده‌اید و چرا؟**

در واقع من علاقه شدیدی به ترجمه معکوس دارم. دلیل اصلی آن هم حمایت‌ها و بازخوردهایی است که در این زمینه گرفتم، اولین ترجمه من در حوزه شعر، مجموعه ترانه‌های رسول یونان با عنوان «یه روزی به عاشقی بود» از نشر نیماژ است که در سال ۹۶ در انتشارات کرستف در فرانسه به چاپ رسید. بعد از آنکه فعالیت‌م را با فصلنامه اشعارن در بلژیک شروع کردم، اشعار زیادی از شاعران معاصر از جمله فرود فرخ‌اخر، مهدی اخوان ثالث، مهدی نیمیوشیخ، سلمان هراتی، سیمین بهبهانی، پروین اعتصامی و بسیاری دیگر را به فرانسه ترجمه کردم که در این فصلنامه و شماره‌های متعدد به چاپ رسیدند. معرفی مفصلی هم از شاعران معاصر ایرانی در قالب یک مجموعه، به زبان فرانسه نوشتم، که در شماره ۲، سال ۲۰۱۸ این فصلنامه به چاپ رسید. هدف اصلی هم در واقع شناساندن هرچه بیشتر شعر و ادبیات فارسی به جامعه فرانسه‌زبان بوده و هست.

❖ **برخی معتقدند عجب ماندن ادبیات ایران به خصوص در حوزه رمان نویسی محسوس و جبران ناپذیر است، به گمان شما چرا و چگونه آن اتفاق افتاده است و آیا می‌توان امیدوار به بر داشتن این فاصله در کوتاه مدت بود؟**

فکر می‌کنم این سؤال شما خیلی تخصصی‌تر از آن چیزی است که در حوزه کاری من جای بگیرد. اما اگر بخواهم کوتاه به این سؤال شما پاسخ بدهم، می‌توانم به این نکته اشاره کنم که اساساً جامعه کتابخوان بسیار کم و محدود شده و طبیعتاً موضوع اثری منفی و جبران ناپذیری را بر این حوزه خواهد گذاشت. تا مخاطبی در کار نباشد، رمان هم معنایی نخواهد داشت. اگر نویسنده ای مخاطب خود با خود نگیرد، انگیزه‌ای برای کار باقی نمی‌ماند. البته هستند دسته‌ای که برای دل خود کار می‌کنند، اما من فکر می‌کنم سؤال شما در حوزه حرفه‌ای است. این فاصله بر داشته نخواهد شد مگر تغییر در اولویت ارزش‌های جامعه و کار کردن به صورت پایه‌ای و هر چه بیشتر جامعه به کتاب و کتابخوانی. البته نایافته‌نماید که مشکلاتی چون گرانی کتاب هم باعث شده تا خیلی از کتابخوان‌ها نیز از خرید کتاب‌های مورد علاقه‌شان دست بکشند.

❖ **مارسل پروست از محبوب‌ترین‌های ادبیات فرانسه در ایران و جهان است در پاریس و ادبیات اروپا چطور؟**

مارسل پروست نشان افتخار ادبیات فرانسه است، چطور می‌شود در فرانسه و اروپا محبوب نباشد؟! او با خلق اثر جاودانش، «در جست‌وجوی زمان از دست رفته»، خود را به یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ ادبیات مبدل کرد. او بارها مرزهای نگارش در ادبیات را جابه‌جا کرد و به فرانسه از او به عنوان استاد استفاده و بدایع زبانی یاد می‌کنند. در واقع او هر چه را که باید به بشریت و جهان هستی می‌گفت، در جست‌وجوی زمان از دست رفته بیان کرده است.

❖ **خود را تحت تأثیر و یا وامدار کدام مترجم ایرانی می‌دانید؟**

در زمینه ترجمه متون ادبی همواره علاقه‌مند به مطالعه آثار مترجمان گوناگون بودم. از خیلی از آنها درس گرفتم و سعی کردم در کارم از تجارب آنها بهره‌برم. اما معتقدم در ترجمه، و اصولاً در نگارش یک اثر، هر کس سبک و قلم مخصوص به خود را دارد و نمی‌توانم کارم را متأثر از کسی حساب بدهم، چرا که به نظر من، مهم‌ترین مانع تولید است و تفاوت‌های آن نیز جز زیبایی‌های این هنر است.

❖ **اگر مطلب ناگفته‌ای هست بفرمایید؟**

حرف ناگفته که زیاد است و قطعا در این صفحات نمی‌گنجد. اما فقط می‌توانم ابراز امیدواری کنم که روزی بازار چاپ و نشر ایران به روزهای اوج خودش بازگردد و نویسندگان و مترجمان بتوانند در فضایی سالم و عاری از تنش، و به دور از دغدغه‌های مالی و روانی مربوط به این حوزه، به فعالیت بپردازند.

فرهنگ و ارشاد اسلامی در بحث کاغذ تحریر به دنبال خودکفایی است که اقدام و تلاش درخور توجهی محسوب می‌شود، اما برای نیل به این موضوع ابتدا باید میزان مصرف داخلی کاغذ تحریر در کشور مشخص شود. ظرفیت تولید کاغذ در داخل کشور، حدود ۱۴۰ هزار تن است، اما واردات کاغذ به کشور، حدود ۲۸۰ تا ۳۰۰ هزار تن است؛ در حالی که مصرف واقعی کشور این میزان نیست و بخش عمده‌ای از این کاغذها در حوزه‌های دیگر مصرف می‌شود.» رئیس سندی‌کای تولیدکنندگان کاغذ با اشاره به اختصاص ۲۸٫۸ هزار و ۵۰۰ تنومانی برای واردات کاغذ گفت: «سیاست‌های ارزی ناپایدار و مهم‌ترین مانع تولید است. معاون اول رئیس‌جمهور درباره تخصیص ارز گفته‌اند، اما هنوز ارز به کسی اختصاص پیدا نکرده است. پنج‌ماه است که در نوبت دریافت همین ارز هستیم.